



**سوخت قاچاق به مقصد نرسید**

فرمانده انتظامی استان سمنان از کشف ۲۹ هزار لیتر سوخت قاچاق از یک دستگاه تانکرحمل سوخت خبر داد. سردار جلیل موقوفه‌ای گفت: کارشناسان ارتش این محموله را بیش از ۹ میلیارد ریال برآورد کرده‌اند. این محموله در یکی از محورهای مواصلاتی استان سمنان کشف شد.

آن سوی مرز

## جنایت‌های سریالی ۳ زن با سیانور



۳ زن هندی با شناسایی زنان ثروتمند آنها را به قتل می‌رسانند تا اموالشان را سرقت کنند.

به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های هند، در ماه ژوئن امسال، جسد زنی به‌نام ناگور در منطقه تالی در ایالت جنوبی اندرا پرادش هند، در یک خیابان خلوت پیدا شد. در کالبدشکافی مشخص شد که این زن بر اثر سم سیانور به قتل رسیده است و از همان زمان تحقیقات گسسته توسط پلیس برای شناسایی قاتل آغاز شد. بررسی‌ها ادامه داشت تا اینکه پلیس در جریان ۳قتل مشابه دیگر هم قرار گرفت. در این قتل‌ها نیز قربانیان بر اثر استفاده از سم سیانور کشته شده و اجدادشان در خیابان‌هایی خلوت راه شده بود.

پلیس در ادامه بررسی‌ها مطمئن شد که این جنایات سریالی است و قاتل یا قاتلان طعمه‌های خود را از بین زنان ثروتمند انتخاب و پس از قتل آنها، اموالشان را سرقت می‌کردند.

در حالی که تلاش برای کشف این معمای جنایی ادامه داشت، آن زن به اداره پلیس مراجعه کردند و از زنانی که می‌خواستند در زور به آنها آب میوه بدهند، شکایت کردند.

یکی از آنها به پلیس گفت: برای خرید از خانه خارج شده بودم که زنی به من نزدیک شد و طرح دوستی ریخت. او مرا به صرف نوشیدنی دعوت کرد اما چون به وی مشکوک شده بودم قبول نکردم. در همین هنگام ۳ زن دیگر هم به او ملحق شدند و تلاش کردند که زور به من آبمیوه بخورانند، اما موفق شدم از دستشان فرار کنم. با اطلاعاتی که این نوز در اختیار پلیس قرار دادند، عاملان جنایت‌های سریالی شناسایی و دستگیر شدند. آنها ۳ زن ۴۰، ۶۰، ۳۲ ساله بودند که در بازجویی‌ها به قتل‌های سریالی اعتراف کردند. آنها گفتند که پس از شناسایی زنان ثروتمند در خیابان، به آنها نزدیک شده و طرح دوستی می‌ریختند. سپس آنها را به صرف نوشیدنی دعوت می‌کردند و در محلی خلوت به آنها آبمیوه آغشته به سیانور می‌دادند. پس از قتل قربانیان هم اموال با ارزش آنها را سرقت می‌کردند و متواری می‌شدند. این قاتلان سریالی به قتل ۴ زن اعتراف کرده‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

جنایی

## بدهی؛ انگیزه قتل زن باردار و شوهرش

مرد جوان برای فرار از پرداخت بدهی‌اش نقشه جنایت کشید؛ جنایتی که با مرگ جوان طلبکار و همسرش ابعاد هولناکی پیدا کرد.

به گزارش همشهری، عصر شنبه ۱۷شهریورماه، جنایت هولناکی در جنگل نرسگی در اطراف شهرستان بندر گز در استان گلستان رخ داد؛ جنایتی که قربانیان آن مردی جوان، همسرش و جنین چندماهه این زن بودند. نخستین افرادی که در جریان این حادثه قرار گرفتند ساکنان روستایی در آن حوالی بودند که با شنیدن صدای شلیک گلوله خود را به محل جنایت رساندند. با گزارش ماجرا به پلیس، تیمی از کارآگاهان راهی محل حادثه شدند و بررسی‌های پرا کشف اسرار این جنایت هولناک آغاز شد.

تحقیقات نشان می‌داد که قربانیان مردی ۳۳ساله و همسر ۲۷ساله او هستند و زن جوان جنین چندماهه‌ای در شکم داشت که او نیز در این حادثه جان باخته بود. این زوج هدف اصابت گلوله قرار گرفته بودند و جسد آنها در باغی چسبیده به جنگل پیدا شده بود. پیدا شدن خودروی قربانیان در آن حوالی نیز از این حکایت داشت که آنها احتمالاً ازسوی عامل جنایت به این محل کشیده شده و سپس توسط وی به قتل رسیده بودند. کارآگاهان که بررسی‌های گسترده‌ای برای کشف راز جنایت آغاز کرده بودند چند ساعت بعد به نخستین مظنون رسیدند. او مرد جوانی بود که باغی در نزدیکی محل جنایت داشت. مأموران متوجه شدند که وی از مدتی قبل از مرد جوان (یکی از مقتولان) مبلغی قرض گرفته و قول داده بود که ظرف

چندماه آن را بر گرداند، اما موفق به پس دادن بدهی‌اش نشده بود و بر سر همین مسئله با مقتول درگیری داشت. با این اطلاعات، دستور بازداشت تنها مظنون پرونده صادر و او چند ساعت پس از جنایت دستگیر شد. وی در همان تحقیقات اولیه به قتل مرد جوان و همسرش اعتراف کرد و گفت: مبلغ زیادی به مقفول بدهکار بودم که نمی‌توانستم آن را پرداخت کنم. از طرفی، وی اصرار داشت طلیش را بگیرد. برای همین نقشه قتل او را کشیدم و به بهانه پرداخت پول، با او در باغ قرار گذاشتم، اما خبر نداشتم که وی با همسر باردارش سسر قرار می‌ید. برای همین مجبور شدم هر دوی آنها را به قتل برسانم تا شاهدی باقی نماند. گفته سهرنگ مهدی مهدوی‌نیا، فرمانده انتظامی شهرستان بندر گز تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.



**انهدام باند دزدان مسلح خودروهای سنگین**

رئیس پلیس آگاهی استان مرکزی از شناسایی و دستگیری اعضای باند سارقان مسلح خودروهای سنگین و محموله‌های آنها در یکی از استان‌های همجوار خبر داد. سهرنگ کامیار چهری گفت: سارقان ۲ نفر هستند که با رزجویی‌ها به سرعت مسلحانه خودروهای سنگین با تهدید اسلحه اعتراف کرده‌اند.

**اعضای بدن کیانا کوچولو به بیماران نیازمنداهدشد**

# دختر ۹ ماهه به ۳ کودک زندگی بخشید

گزارش

**فانته احدی**  
روزنامه‌نگار

وقتی کودک ۹ ماهه اهل مشهد در یکی از بیمارستان‌های این شهر مرگ مغزی شد، خانواده‌اش تصمیم گرفتند با اهدای اعضای بدن دخترشان به چند کودک دیگر زندگی دوباره ببخشند.

به گزارش همشهری، ۸ شهریور برای خانواده نسایی روزی هولناک بود. آن روز مادر کیانا کوچولو که چند روزی بود بسه خانه پدری‌اش رفته بود، دختر بچه ۹ ماهه خود را در یکی از اتاق‌های خانه خواباند و از آنجا خارج شد. آن روز خانه پدر بزرگ کیانا تلوشوغ تا همیشه بود و همه اعضای فامیل دور هم جمع شده و بچه‌ها سرگرم بازی بودند.

در این هنگام بود که چند نفر از بچه‌ها برای بازی وارد اتاقی شدند که دختر بچه ۹ ماهه آنجا بود و هنگام بازی یکی از بچه‌ها به تلویزیون قدیمی پدر بزرگ برخورد کرد و فاجعه‌ای هولناک رقم خورد. در یک لحظه جیغ و فریاد بچه‌ها خانه را پر کرد و وقتی بزرگ‌ترها وارد اتاق شدند با دیدن حادثه‌ای که رخ داده بود، شوکه شدند.

مادر کیانا نخستین کسی بود که وارد اتاق شد

و چشمش به تلویزیون قدیمی افتاد که روی دخترش سقوط کرده بود.

مادر از این اتفاق شوکه شده بود و مدام فریاد می‌کشید. بقیه اعضای خانواده به سمت تلویزیون قدیمی دویدند و آن را بلند کردند.

مادر دخترش را از زیر تلویزیون بیرون کشید و در آغوش گرفت، اما کیانا کوچولو از حال رفته

و بی‌هوش شده بود. آنها سرآسیمه با اوزن‌س تماس گرفتند و دقایقی بعد دختر بچه ۹ ماهه با آمبولانس به یکی از بیمارستان‌های نیشابور منتقل شد.

**در انتظار معجزه**

هیچ یک از اعضای خانواده آنچه را اتفاق افتاده بود باور نداشتند. در حالی که تلاش پزشکان برای نجات دختر بچه ۹ ماهه آغاز شده بود، همه اعضای فامیل دست به دعا برداشته و برای بازگشت کیانا به زندگی دعا می‌کردند. این در حالی بود که معاینات اولیه پزشکان نشان می‌داد دختر خردسال بر اثر شدت ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود، دچار ضربه مغزی شده و وضعیت وخیمی دارد.

**انتقال به مشهد**

پزشکان بیمارستان نیشابور وقتی دیدند شرایط دختر بچه هر لحظه بدتر می‌شود پیشنهاد کردند که وی برای ادامه درمان به مشهد منتقل شود. فرمای آن روز کودک ۹ ماهه به بیمارستانی در مشهد منتقل شد و تلاش‌ها برای نجات وی ادامه یافت. پزشکان که تنها راه نجات کیانا را انجام عمل جراحی می‌دیدند وی را به اتاق عمل منتقل کردند، اما بعد از عمل کیانا به کما رفت، بعد از ۳ روز پزشکان اعلام کردند که کودک خردسال دچار مرگ مغزی شده و این یعنی، امیدی به بازگشت او به زندگی نیست.

**تصمیم بزرگ**

وقتی تیم پزشکی به خانواده کیانا گفتند که او دچار مرگ مغزی شده، پدر و مادرش در شوک

فرورفتند. آنها آرزوهای بزرگی برای دخترشان داشتند، اما حالا همه این آرزوها را بر باد رفته می‌دیدند. امین نسایی، پدر کیانا در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: زمانی که حادثه اتفاق افتاد من در مشهد بودم. همسرم و کیانا به خانه پدر زلم در نیشابور رفته بودند که با من تماس گرفت و گفت دخترم در بیمارستان است. بلافاصله خودم را به نیشابور رساندم. در آنجا به ما گفتند که باید برای عمل به بیمارستانی در مشهد منتقل شود. ما نیز دخترم را به مشهد بردیم. در آنجا منتظر بودیم که به ما بگویند بعد از عمل حال دخترم خوب می‌شود، اما عمل موفقیت‌آمیز نبود و دخترم بسه کما رفت و در نهایت مرگ مغزی شد. بعد از اینکه از وضعیت دخترم مطلع شدیم پزشکان گفتند که می‌توانیم با اهدای اعضای دخترم جان کودک‌ان دیگر را نجات دهیم.

وی می‌افزاید: من در آن لحظات چیزی نمی‌فهمیدم. مگر ممکن بود که دیگر دخترم را نبینم؟ آنچه را که اتفاق افتاده بود باور نمی‌کردم. شرایط سختی را تحمل می‌کردم. برادرانم با من صحبت کردند. آنها از اهدای عضو گفتند و اینکه حالا که دیگر دخترم به زندگی بر نمی‌گردد لااقل وجودش باعث نجات چند نفر دیگر شود. آنها مرا متقاعد کردند که وقتی دخترم رفتنی است، چه بهتر که بتوانیم بیماران دیگری را نجات دهیم. حتی از خانواده‌هایی گفتند که هر لحظه امکان دارد عزیزانتشان را از دست بدهند و چشم انتظار یک عضو برای بیوند هستند.



فانته احدی

# یاسین رامین، تحت تعقیب اینترپل

سال ۱۳۹۸ شعبه ۱۰۵۸ مجتمع قضایی کارکنان دولت، یاسین رامین را به اتهام جنایت در امانت و انتقال مال غیر به ۱۷سال حبس و رد مال به میزان ۲میلیون یورو محکوم کرد. این در حالی بود که متهم معتقد بود آنچه اتفاق افتاده اختلاف حساب بین او و هلال احمر است و اختلاس یا فسادی اتفاق نیفتاده است. در این شرایط بود که رسیدگی به پرونده در دادگاه تجدیدنظر آغاز شد و قضاوت رسیدگی کننده به پرونده در این مرحله رأی دادگاه را باطل و رامین را از همه اتهامات تبرئه کردند.

**رامین مجرم است**

تبرئه رامین در دادگاه تجدیدنظر پایان رسیدگی به این پرونده جنجالی نبود، چراکه در ادامه با اعتراض هلال احمر پرونده روی میز قضاوت دیوان عالی کشور قرار گرفت. در این مرحله قضاوت دیوان بعد از بررسی محتویات

### مأموریت اینترپل

حالا با گذشت ماه‌ها از محکومیت یاسین رامین در دیوان عالی کشور و در شرایطی که او تاکنون برای اجرای حکم به کشور برگشته است، روز گذشته پیر حسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر از تحت تعقیب قرار گرفتن رامین توسط اینترپل خبر داد و گفت: «ایشان متهم و تحت تعقیب قضایی و حتی بین‌الملل است. کولیوند همچنین درباره ادعاهای مطرح شده از سوی یاسین رامین در گفت‌وگو با یکی از شبکه‌های تلویزیونی ضد انقلاب درباره جمعیت هلال احمر و شخص کولیوند گفت: «ما کسی می‌تواند هر حرفی را بر زبان آورد، اما آیا مردم با جامعه جهانی آن را قبول می‌کنند؟ ما جزو ۵ کشور بر صلیب سرخ جهانی هستیم و اگر این اتهامات درست بود، قطعاً به من تذکر می‌دادند، با اتفاقی که می‌داد که تاکنون این اتفاق رقم نخورده است. این ادعاها درست نیست. این فرد خودش متهم است، با نظام بین‌عناز دارد و پرونده‌اش در حال رسیدگی است.

دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۳ - شماره ۹۱۹۹



صفحه ۱ از علیرضا بهرامی

داخلی

### شعری که سارق موبایل را لو داد



خالکوبی یک بیت شعر، سارقی را که در پایتخت موبایل قاچی می‌کرد گیر انداخت. به گزارش همشهری، از چندنی قبل گزارش سرقت‌های سریالی به پلیس پایتخت اعلام شد که نشان می‌داد ۳ جوان موتورسوار با پرسرزدن در سطح شهر، اقدام به موبایل قاچی می‌کنند. آنطور که مالباخته‌ها می‌گفتند، سارقان از ماسک و کلاه استفاده می‌کردند، اما در یکی از سرقت‌هایشان، مالباخته متوجه شعری شده که روی دست یکی از سارقان خالکوبی باعث شد سارق جوان که سابقه دار بود شناسایی و به همراه همدستش دستگیر شود. او که سابق قبلی اش قاچاق مواد مخدر است، در گفت و گویی از جزئیات سرقت‌هایش می‌گوید.

**چه شد که قاچاقچی مواد مخدر تبدیل به سارق موبایل قاپ‌شد؟**

چون ترسیدم این بار به اعدام یا حبس ابد محکوم شوم. من با راضیه، زن مورد علاقه‌ام، مواد قاچاق می‌کردیم. بار آخر هم هر دو با هم دستگیر شدیم، اما او به حبس ابد محکوم شد و من به زندان. از روزی که حکمم به دستم رسید و خیالم راحت شد که اعدام یا ابد نکر فتم، تصمیم گرفتم دور قاچاق و فروش مواد را خط بکنم و به سمت سرقت بروم.

**چقدر درس خوانده‌ای؟**

من لیسانس ادبیات دارم. شاعر هم هستم؛ چندین شعر سرودهام و آرزویم این بود که روزی شاعری معروف شوم، اما نشد.

**چطور به خلاف کشیده شدی؟**

از روزی که با راضیه آشنا شدم، سیاهی و تباهی بر سرم آوار شد. راستش به‌خاطر شعرهایی که می‌سرودم در جمع‌های مختلفی می‌رفتم؛ یکی می‌نواخت و دیگری شعر می‌خواند. در یکی از همین جمع‌ها با راضیه آشنا شدم. راضیه ورزش زیاد بود و در جست‌وجوی راهی بود که لاغر شود. او همه رژیم‌ها را امتحان کرده بود، اما فایده‌ای نداشت؛ از جراحی هم می‌ترسید. تا اینکه یک نفر به او گفت شیشه بکش تا لاغر شوی. او هم شروع کرد به مصرف. راستش خودم برای شیشه می‌خریدم و همین موجب شد تا تصمیم بگیرم برای رسیدن به پول بیشتر و ثروت، موادفروشی کنم. چون وقتی سراغ ساقی‌های مواد می‌رفتم و پای حرف‌هایشان می‌نشستم، می‌دیدم درآمدشان خیلی خوب است. درواقع بهترین سرمایه‌گذاری است؛ چون پول مواد با افزایش دلار، بالا می‌رفت. وقتی به راضیه پیشنهاد چنین کاری را دادم، قبول کرد. کمی بعد هر دو شروع کردیم به خرید و فروش موادمخدر. من کارم علاوه بر سرودن شعر، فروش شمع‌های دست‌ساز هم بود. شیشه را داخل شمع‌های دست‌سازم، جاسازی می‌کردم و می‌فروختم، اما نمی‌دانم چه کسی ما را لو داد و دستگیر شدیم. بار اول توانستم خیلی زود آزاد شویم، اما بار دوم حکم سنگینی برای ما صادر کردند. راضیه، ابد گرفته و زندان است. من هم شانس آوردم که حکمم شکسته شد و توانستم بعد از ۳سال آزاد شوم.

**همدست است که با او موبایل قاچی می‌کردی که بود؟**

اسمش ایمان ریزه است. چون لاغر است همه به او می‌گویند ریزه. او دستفروش است. به او گفتم بیا برویم سرقت. ایمان ریزه نخستین‌باری است که در زندگی‌اش خلاف می‌کند. درواقع من باعث شدم که او وارد دنیای تبهارکنان شود. هر دو سوار موتور می‌شدیم و موبایل قاچی می‌کردیم. من معمولاً لباس استین بلندی پوشم تا خالکوبی روی دستم مشخص نشود، اما آخرین مالباخته ریزه‌کن از این حرف‌ها بسود و همین خالکوبی که یادگار زندان است، مرا به در دسر انداخت و موجب شد تا لو بروم.

### پایان گروگانگیری پسر نوجوان



پسر نوجوانی که از سوی افراد مسلح ربوده شده بود، یک هفته پس از آدم‌ربایی‌س تلاش پلیس آزاد شد و به خانه بازگشت. به گزارش همشهری، این پسر ۱۲ساله که اهل منطقه زمکلوٲ در جنوب استان کرمان است، هفته گذشته توسط چند مرد مسلح ربوده شد. به‌دنبال این حادثه با درخواست خانواده این نوجوان تحقیقات پلیس برای نجات پسر ربوده‌شده آغاز شد. هر چند ابتدا هویت آدم‌ربایان مشخص نبود اما در ادامه کارآگاهان پلیس موفق به شناسایی آنها شدند. درحالی‌که یک هفته از این ماجرا گذشته بود و تلاش‌ها برای شناسایی خفیهگاه آدم‌ربایان ادامه داشت، پسر ۱۲ساله از سوی آدم‌ربایان آزاد شد.

محمدرسول مکران نژاد، رئیس حوزه قضایی جازموریان درباره جزئیات این پرونده گفت: پس از انجام اقدامات فنی و پلیسی، هویت آدم‌ربایان مشخص شد و با استفاده از ظرفیت سران طوایف و ریش‌سفیدان منطقه، این پسر نوجوان در یکی از استان‌های همجوار آزاد شد و بعد از گذشت یک هفته به آغوش خانواده‌اش بازگشت. این مقام قضایی ادامه داد: عاملان این اقدام شناسایی و حکم جلب آنها صادر شده است و اشد مجازات برای آدم‌ربایان در نظر گرفته خواهد شد.

## جوان گمشده در عراق زندانی بود

درحالی که خانواده جوان گمشده تصور می‌کردند وی در عراق به قتل رسیده است، اما بررسی‌ها نشان داد که او زنده و گرفتار حادثه‌ای عجیب شده است.

به گزارش همشهری، اوایل تیر ماه امسال، مرد میانسالی قدم در داسرای جنایی تهران گذاشت و از ناپدید شدن پسر جوانش خبر داد. وی گفت: پسرم میلاد در زمینه تأسیسات ساختمانی فعالیت دارد. او چند وقت قبل یک پروژه کاری در کشور عراق گرفت و راهی آنجا شد. میلاد هر روز با من با مادرش تماس می‌گرفت اما حالا چند روزی می‌شود که تماس‌هایش قطع شده و از او بی‌خبر هستیم. وی ادامه داد: پسرم کارش در شهر بصره بود و ما حتی از همکارانش، وضعیت او را پیگیری کردیم اما هیچ‌کس اطلاعی از سرنوشته پسرمان ندارد. حالا احتمال می‌دهیم که او در عراق قربانی جنایت شده باشد. با اظهارات این مرد، به دستور باز پرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران، تحقیقات اینترپل برای معلوم شدن سرنوشته جوان گمشده آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که میلاد، خردماه‌امسال راهی عراق شده و در یک پروژه ساختمانی مشغول به کار بوده است. آخرین بار نیز با گرفتن مرخصی چند روزه برای بازگشت به ایران محل کارش را ترک کرده و پس از آن دیگر خبری

